

نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱۶

جمیله توکلی نیا* (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

محمد شالی^۱ (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده

یکی از موانع اصلی و مهم در روند توسعه ملی، برهم خوردن تعادل و توازن منطقه‌ای به‌شمار می‌رود. از این‌رو اولین گام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه و علت نابرابری‌ها است. در این پژوهش برای ارزیابی توسعه منطقه‌ای و نمایش نابرابری‌ها در سطح سرزمین ۶۰ شاخص فرهنگی-اجتماعی، صنعتی، اقتصادی-جمعیتی، کالبدی-زیربنایی و بهداشتی-درمانی مورد تحلیل قرار گرفتند. از این روی با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی در هریک از بخش‌ها، عوامل و شاخص‌های تلفیقی استخراج گردید و به عنوان ورودی در روش تاکسونومی مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت از روش تحلیل خوشه‌ای به‌منظور گروه‌بندی استان‌ها استفاده شد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۳۰ استان کشور، یک استان توسعه‌یافته، ۴ استان نسبتاً توسعه‌یافته، ۷ استان توسعه میانی، ۱۹ استان توسعه‌نیافته و یک استان محروم بوده است. بنابراین، الگوی حاکم بر سازمان فضایی کشور، از الگوی مرکز-پیرامون در توسعه منطقه‌ای پیروی کرده است، به‌طوری که کلیه استان‌های توسعه‌نیافته و محروم در نواحی حاشیه‌ای، مرزی و مناطق کوهستانی واقع شده‌اند. این نابرابری‌ها، برآیند و بازتابی از عوامل محیطی، اقتصاد سیاسی، نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی فضایی، بی‌توجهی به مدیریت یکپارچه سرزمینی و عدم هماهنگی سازمان‌های متولی در امر توسعه‌ی فضایی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی:

نابرابری‌های منطقه‌ای، شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی فضایی، توسعه منطقه‌ای، ایران

* نویسنده رابط: jaytavakoli@yahoo.com

¹ m.shali@hotmail.com

مقدمه

در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده‌ای فراگیر و رو به گسترش قابل مشاهده است. (Lees, 2010: 1 & UNDP, 2010) در توسعه‌ی فضایی ایران نیز با نابرابری‌های منطقه‌ای مواجه هستیم. (Kalantari, 1998: 120) بی‌تردید شکل‌گیری الگوی فضایی جمعیت و فعالیت در یک منطقه متأثر از شرایط متعدد اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و جغرافیایی است. نبود توازن در جریان توسعه، نابرابری و فاصله را زیاد نموده و به عنوان مانعی در برابر مسیر توسعه‌ی ملی عمل خواهد کرد. (حاجی‌پور، ۱۳۸۴: ص ۶ و احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۲۲) نقش سیاست‌های ملی و منطقه‌ای در تعدیل یا تعمیق الگوی پراکنش عناصر فضایی حائز اهمیت است.

در این میان آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی فضایی با هدف کمک به ایجاد همکاری، هماهنگی، یکپارچگی و تقسیم کار فضایی مشخص در پیگیری اهداف توسعه‌ی پایدار و ایجاد تعادل در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی می‌تواند تاثیرگذار باشد. (توفیق، ۱۳۸۴: ۱) با توجه به سابقه برنامه‌ریزی در کشور می‌توان دریافت که برنامه‌ریزی در گذشته و امروز در تمام دوره‌ها به دنبال کاهش شکاف بین مناطق و جلوگیری از افزایش آن بوده است. (عظیمی، ۱۳۸۴: ۶۵) یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌ها، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی منطقه‌ای و شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر به لحاظ توسعه است. در این مقاله با گردآوری شاخص‌ها و سنجش‌های مختلف در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و جمعیتی، کالبدی و زیربنایی و بهداشت و درمان به بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌ی استان‌های ایران پرداخته‌ایم.

برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای

تعاریف فراوانی با دیدگاه‌های گوناگون از برنامه‌ریزی شده است. به گفته پیتر هال "برنامه‌ریزی دستیابی آگاهانه به هدفی است، که از طریق تنظیم اقدامات متوالی منظم صورت می‌پذیرد" (Hall, 1974: 4) چند دهه‌ای است که مفهوم توسعه با اصطلاح برنامه‌ریزی پیوند تنگاتنگی پیدا کرده است. (طالب و عنبری، ۱۳۸۵: ۱۸۳) و به عنوان هدف کلان برنامه‌ریزی در حوزه‌ی عمومی در دنیا پذیرفته شده است. (صرافی، ۱۳۷۷: ۲) درک معنای توسعه و فاصله وضع موجود با وضع مطلوب، شالوده‌ی اقدامات از پیش اندیشیده‌ای در عرصه اجتماعی را با عنوان "برنامه‌ریزی توسعه" پایه‌ریزی کرد. (صرافی، ۱۳۷۹: ۹)

برای اولین بار در سال ۱۹۱۷ برنامه‌ریزی توسعه‌ی ملی توسط دولت شوروی سابق (روسیه) با انگاره اقتصاد با برنامه به‌کار گرفته شد. کشورهای غربی دارای اقتصاد بازار نیز با بروز بحران جهانی و رکود بزرگ ناشی از آن، برنامه‌ریزی مرکزی را به کار گرفتند. هم‌چنین در خلال جنگ جهانی دوم برای بسیج منابع و تامین نیازهای جنگ، برنامه‌ریزی مرکزی قویاً مورد استفاده دولت‌های اصلی درگیر قرار گرفت. و با پایان جنگ، کشورهای صنعتی خسارت دیده به برنامه‌ریزی گسترده عمدتاً ارشادی برای بازسازی روی آوردند. از سوی دیگر کشورهای نواستقلال یافته و غیرصنعتی با جا افتادن مفهوم نوین توسعه، به برنامه‌ریزی توسعه ملی در اقتصاد مختلط پرداختند تا فاصله‌ی عقب‌ماندگی خود را از کشورهای شمال کاهش دهند. راهکار غالب در این تلاش، تکیه بر رشد اقتصادی به یاری صنعتی‌شدن شهری بوده است.^۱

طرح مفهوم قطب رشد^۲ توسط فرانسو پرو^۳ برای نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ و بسط این مفهوم در دهه‌های ۶۰-۱۹۵۰ توسط گونار میردال^۴ اقتصاددان سوئدی، آلبرت هیرشمن^۵ اقتصاددان آلمانی و رائل پریش^۶، اقتصاددان آرژانتینی، همراه با سایر نظریه‌پردازان توسعه بیانگر تلاش به منظور کاهش فاصله بین مناطق و رشد نواحی عقب‌مانده بوده است. طبق نظر طرفداران نظریه قطب رشد، رشد به صورت همزمان در همه جا اتفاق نمی‌افتد، بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه‌ای رخ می‌دهد که از قدرت جاذبه بالایی برخوردارند. این نقاط، توسعه را در کانال‌هایی پخش نموده تا در کل اقتصاد تسری یابد. (Alden & Morgan, 1974:62 & Perroux, 1955:310) هیرشمن بر ماهیت تمرکز طلب توسعه‌ی اقتصادی اعتقاد داشت و آن را روند قطبی شدن^۷ نامید. هر چند او معتقد بود که در مراحل بعدی با غیراقتصادی شدن تمرکز، روند تراوش به اطراف و یا رخنه به پایین^۸ رخ خواهد داد. (Hansen, 1981:16) بازتاب فضایی این روند تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت‌ها در نواحی محدود برخوردار بوده است که در نتیجه عدم تعادل نواحی حاشیه‌ای دور از توسعه بوجود آمده است. هم‌چنین ثمرات به اصطلاح توسعه، به شکل ناموزونی در دهه‌های برنامه‌ریزی ملی پس از جنگ جهانی دوم، بین

^۱ - در این چارچوب مفهوم تمرکز با مفهوم توسعه به‌طور کلی و با مفهوم قطب‌های توسعه یا رشد به‌طور خاص، نزدیکی دارد.

^۲ - Growth pole

^۳ - François Perroux

^۴ - Gunnar Myrdal

^۵ - Albert o. Hirschman

^۶ - Raul Perbisch

^۷ - Polarization

^۸ - Trickle-down

توده مردم، بخش‌های اقتصادی- اجتماعی و مناطق کشور پخش شد. (صرافی، ۱۳۷۷: ۲۳) بر اساس مطالعات موسلی^۱ (۱۹۷۴)، رابینسون و صالح^۲ (۱۹۷۱)، گیلبرت^۳ (۱۹۷۵) و استوهر^۴ (۱۹۷۵)، تجربیات حاصل از اجرای سیاست قطب رشد در امر توسعه‌ی در کشورهای مختلف دنیا، نشان دهنده این واقعیت است که تاثیرات جانبی قطب رشد در توسعه منطقه‌ای با توفیق زیاده همراه نبوده و موجب توسعه همه جانبه و یکپارچه منطقه‌ای نشده است، حتی در بیش تر موارد تاثیرات منفی و زیان‌باری نیز در پی داشته است. بدین سان، نابرابری بین مراکز (قطب‌های رشد) و پیرامون (روستاها و شهرهای کوچک)، همچنین بین حوزه‌های شهری و حوزه‌های روستایی بسرعت افزایش یافته است.

در ایران نیز تا قبل از دهه ۱۳۲۰ به سختی نشانی از برنامه‌ریزی یا سیاست‌های روشن توسعه وجود داشت. سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های عمومی عمدتاً به‌طور موردی و در راستای خطوط بخش‌های مختلف اقتصاد بین چند استان انگشت شمار (به خصوص برای استان‌های تهران و مرکزی) توزیع می‌گشت. (امیراحمدی، ۱۳۷۵: ۱۶۵) سیاست قطب رشد، توسعه زیرساخت‌ها و صنعتی کردن شهرها در برنامه‌ی سوم عمرانی مورد تاکید قرار گرفت. در برنامه چهارم نیز تمرکززدایی از برخی عملکردهای توسعه به اجرا گذاشته شد و در برنامه پنجم به مسأله‌ی نابرابری‌های منطقه‌ای به خصوص از نظر ارائه خدمات اجتماعی توجه بیش تری شد. با این وجود برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب موفق به ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای نشدند و تشدید نابرابری‌ها، قطبی‌شدن فضایی و بخشی را رقم زدند. شاید در عمل برنامه‌ریزی منطقه‌ای وجود نداشته است و بیش تر سیاست‌گذاری منطقه‌ای و تاحدی منطقه‌ای کردن برنامه‌های ملی مد نظر بوده است. پیامدهای بارز این نگرش را می‌توان به‌صورت اختلافات فاحش منطقه‌ای مشاهده نمود.

طبق مطالعه‌ی بانک جهانی در سال ۱۳۵۵ میان ۱۷ کشور برگزیده جهان شمال و جنوب، برزیل و ایران بیش ترین اختلافات منطقه‌ای را با معیار سرانه تولید ناخالص منطقه‌ای داشته‌اند. همچنین اختلاف درآمدی شهر و روستا از ۵/۵ برابر در سال ۱۳۴۸ به ۸ برابر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته بود. (صرافی، ۱۳۷۷: ۷۹-۸۰) پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پرتو ارزش‌های والای اسلامی، از یکسو اولویت برقراری تعادل‌های منطقه‌ای (اصل ۴۸ قانون اساسی)

-
- 1 - Moseley
 - 2 - Rabinson & salih
 - 3 - Gilbert
 - 4 - Stohr

و محرومیت‌زدایی مطرح شد و از سوی دیگر مشروعیت دخالت در تخصیص فضای توسعه و وظیفه‌ی تسهیل دسترسی عادلانه آحاد ملت به این فضا پذیرفته شد. با این وجود مطالعات انجام شده در سطح کشور از جمله سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۱)، امیراحمدی (۱۳۷۵)، کلانتری (۱۳۷۷)، شربت اوغلی (۱۹۹۱)، نوربخش (۲۰۰۰)، امیراحمدیان (۱۳۷۹)، زیاری (۱۳۸۳) و بهشتی فر (۱۳۸۵) حاکی از آنست که با وجود تمامی کوشش‌هایی که صورت گرفته موفقیت در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای حاصل نگردیده است.

مفهوم توسعه طی چند دهه‌ی اخیر از انحصار دیدگاه‌های رشد اقتصادی و انگاره غربی خارج شده است و دیگر توسعه را افزایش مصرف سرانه نمی‌دانند. بلکه دیدگاه‌های نوین عدالت اجتماعی، خودتکایی و تعادل بوم‌شناسانه را با مفهوم توسعه پیوند داده‌اند. (کلانتری، ۱۳۸۰: ص ۱۰۱ و صرافی، ۱۳۷۷: ۴۰) در حالی که پیش از آن، تصور بر این بود که توسعه با رشد اقتصادی تفاوتی ندارد و هدف سیاست‌گذاری، افزایش رشد تولید ناخالص ملی، مصرف و درآمد سرانه بوده است. بنابراین سرمایه‌گذاری‌ها و تشویق‌ها به سمت مکان‌هایی هدایت می‌شدند که موجب تسریع در نیل به اهداف شوند. با ادامه این روندها، شکاف بین مناطق بیش تر شد و مشکلات ناشی از عدم تعادل و ناپایداری افزایش یافت. در نتیجه از اواخر دهه ۱۹۶۰ همزمان با اوج‌گیری دیدگاه‌های وابستگی و انتقادات شدید عملی و نظری به نظریه قطب رشد، دستیابی به توسعه‌ای موزون در صدر اهداف کشورهای درحال توسعه قرار گرفته است. در این راستا دیویدهاروی دسترسی به عدالت اجتماعی منطقه‌ای را بر اساس سه اصل عدالت اجتماعی (نیاز، استحقاق و منفعت عمومی) به قرار زیر می‌داند:

- توزیع درآمد به طریقی باشد که نیازهای جمعیت هر منطقه برآورده شود.
- تخصیص ویژه منابع به طریقی باشد که ضرایب فزاینده‌ی بین منطقه‌ای به حداکثر برسد.
- تخصیص ویژه منابع به طریقی باشد که در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی موثر واقع شود.
- سازوکارها (نهادی، سازمانی سیاسی و اقتصادی) باید به طریقی باشد که دورنمای زندگی در محدودترین مناطق تا حد امکان بهتر شود. (هاروی، ۱۳۷۹: صص ۱۱۹ و ۱۲۰)

روش تحقیق:

با توجه به ماهیت پژوهش روش تحقیق توصیفی و تحلیلی استفاده گردید. جامعه آماری، ۳۰ استان بر اساس تقسیمات اداری و سیاسی سال ۱۳۸۵ را در برمی‌گیرد. برای تعیین سطوح

توسعه‌ی یافتگی استان‌ها از ۶۰ شاخص ترکیبی شامل ۱۲ شاخص فرهنگی اجتماعی، ۱۰ شاخص توسعه صنعتی، ۱۶ شاخص جمعیتی-اقتصادی، ۱۲ شاخص کالبدی-زیربنایی و ۱۰ شاخص بهداشتی-درمانی استفاده شده است. که با مراجعه به آمارنامه‌ها و سرشماری عمومی نفوس و مسکن، استخراج و با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی^۱ در محیط نرم‌افزار Spss، عوامل و شاخص‌های تلفیقی ساخته شد و به عنوان ورودی روش تاکسونومی عددی^۲ مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت با روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی، استان‌ها از نظر درجه توسعه یافتگی خوشه‌بندی و در محیط GIS به صورت نقشه نمایش داده شدند.

شاخص‌های تحقیق:

در تحقیق حاضر برای رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه استان‌های ایران از ۶۰ شاخص انتخابی به شرح زیر استفاده شده است:

شاخص‌های بخش فرهنگی و اجتماعی: گنجایش سینما به جمعیت، نسبت دانش آموزان دختر بر دانش آموزان پسر، نسبت کارکنان آموزشی مدارس به دانش آموزان، نسبت دانشجو به جمعیت، درصد باسوادی مردان، درصد باسوادی زنان، زنان با تحصیلات عالی به کل جمعیت، مردان با تحصیلات عالی به کل جمعیت، نرخ شهرنشینی، بعد خانوار (معکوس)، نسبت جمعیت ۰-۱۴ ساله (معکوس). سهم ارزش افزوده خدمات تفریحی، فرهنگی و ورزشی به کل ارزش افزوده.

شاخص‌های بخش صنعتی: نسبت کارگاه‌های صدنفر و بیش تر بخش خصوصی به کل کارگاه‌ها، متوسط سرمایه شرکت‌های فعال صنعتی، متوسط شاغلان در هر کارگاه، سهم از پروانه بهره برداری صنعتی، کارگاه‌های صنعتی صد نفر و بیش تر به کل کارگاه‌ها، درصد انشعاب گاز صنعتی موجود در استان، شاغلان کارگاه‌های صنعتی به جمعیت، ارزش افزوده بخش صنعت بر شاغلان صنعت، درصد برق مصرفی در بخش صنعت، سهم استان از ارزش افزوده صنعت، سهم ارزش افزوده بخش صنعت از کل ارزش افزوده.

شاخص‌های بخش جمعیتی و اقتصادی: ضریب اشتغال، بارتکفل، نرخ بیکاری، درصد اشتغال در بخش صنعت، درصد اشتغال در بخش خدمات، متخصصین زن به کل جمعیت، متخصصین مرد به کل جمعیت، قانون گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران، زن به کل جمعیت

¹ - Factor Analysis

² - Numerical Taxonomy model

و شاغلان بخش بهداشت و مددکاری اجتماعی به کل جمعیت، سرانه ارزش افزوده، شاغلان بخش آموزش به کل جمعیت، درصد اشتغال در بخش حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات، درصد اشتغال در بخش عمده فروشی، خرده فروشی، سهم ارزش افزوده بخش واسطه‌گری‌های مالی به سهم از شاغلان این بخش، سرانه تولید ناخالص داخلی (بدون نفت خام و گاز)، سهم ارزش افزوده بخش واسطه‌گری‌های مالی از کل ارزش افزوده.

شاخص‌های بخش کالبدی و زیربنایی: درصد پروانه‌های ساختمانی چهار طبقه و بیش تر، تراکم ساختمانی پروانه‌های ساختمانی، تلفن همراه به جمعیت، درصد خانوارهای برخوردار از برق، تلفن ثابت، آب لوله‌کشی شده، گاز لوله‌کشی شده، آشپزخانه و حمام، درصد واحدهای مسکونی دارای مصالح ساختمانی بادوام، نسبت طول راه روستایی آسفالتی. سهم ارزش افزوده پست و مخابرات به کل ارزش افزوده، سهم ارزش افزوده خدمات شهری به کل

شاخص‌های بخش بهداشت و درمان: مؤسسات درمانی به‌ازای جمعیت، تخت بیمارستانی به‌ازای جمعیت، تعداد داروخانه‌ها به‌ازای جمعیت، پزشک عمومی به‌ازای جمعیت، پزشک متخصص به‌ازای جمعیت، آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی به‌ازای جمعیت، مراکز پرتونگاری به‌ازای جمعیت، مراکز توان بخشی به‌ازای جمعیت، نرخ مرگ و میر (معکوس)، شاغلان در بخش بهداشت و مددکاری به کل جمعیت.

یافته‌های تحقیق

کشور ایران در سال ۱۳۸۵ بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی، دارای ۳۰ استان بوده است. برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی و نشان دادن نابرابری‌ها منطقه‌ای در ایران از ۶۰ شاخص انتخابی شامل ۱۲ شاخص فرهنگی - اجتماعی، ۱۰ شاخص صنعتی، ۱۶ شاخص اقتصادی - جمعیتی، ۱۲ شاخص کالبدی - زیربنایی و ۱۰ شاخص بهداشتی - درمانی استفاده شد. ابتدا با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی برای هر کدام از بخش‌های فوق به ترتیب ۲، ۳، ۳، ۲، ۳ عامل و شاخص‌های تلفیقی استخراج شد. و به عنوان ورودی روش تاکسونومی مورد استفاده قرار گرفت. با رفع اشکال همبستگی بین شاخص‌ها، استان‌ها در بخش‌های مختلف از نظر شاخص - های توسعه رتبه‌بندی گردیدند (جدول ۱). و در نهایت با روش تحلیل خوشه‌ای استان‌های کشور خوشه‌بندی شدند.

- رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب شاخص‌های بخش فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد که استان تهران بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین درجه توسعه یافتگی این بخش

را دارا می‌باشند. بر اساس نتایج روش خوشه‌بندی، سه گروه همگن از استان‌ها وجود دارد که بر اساس میزان توسعه یافتگی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. استان‌های تهران، سمنان و یزد در سطح اول توسعه قرار گرفته‌اند و در سطحی پایین‌تر از آن استان‌های مازندران، قزوین، قم، اصفهان، آذربایجان شرقی، مرکزی، زنجان، ایلام، خراسان جنوبی، همدان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان رضوی، گیلان، فارس، کرمان، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، چهارمحال و بختیاری قرار دارند. گروه سوم نیز استان‌های گلستان، آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان، هرمزگان، خراسان شمالی، بوشهر و سیستان و بلوچستان را شامل می‌شود.

- رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب شاخص‌های کالبدی و زیربنایی نشان می‌دهد که استان تهران بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین درجه‌ی توسعه یافتگی این بخش را دارا می‌باشند. بر اساس نتایج روش خوشه‌بندی، سه گروه همگن از استان‌ها وجود دارد که بر اساس میزان توسعه یافتگی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. استان تهران به تنهایی در سطح اول توسعه و استان‌های خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان در سطح سوم قرار دارند. بقیه‌ی استان‌ها نیز با اختلاف اندکی نسبت به یکدیگر در گروه دوم قرار گرفته‌اند.

- رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که استان تهران بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین درجه‌ی توسعه یافتگی این بخش را دارا می‌باشند. بر اساس نتایج روش خوشه‌بندی، سه گروه همگن از استان‌ها وجود دارد که استان تهران به تنهایی در سطح اول توسعه و در سطحی پایین‌تر از آن استان‌های مازندران، بوشهر، اصفهان، سمنان، فارس، قم، گیلان، یزد، هرمزگان، خراسان رضوی، قزوین، خوزستان قرار گرفته‌اند سایر استان‌ها در سطح سوم قرار دارند.

- در بخش بهداشت و درمان بالاترین سطح بالای توسعه‌یافتگی مربوط به استان سمنان و پایین‌ترین درجه‌ی توسعه یافتگی هم به استان هرمزگان تعلق دارد. بر اساس نتایج روش خوشه‌بندی، پنج گروه همگن از استان‌ها وجود دارد که استان سمنان به تنهایی در سطح اول توسعه و در سطحی پایین‌تر از آن استان‌های یزد، مازندران قرار گرفته‌اند. در گروه سوم استان‌های چهارمحال و بختیاری، گیلان، اصفهان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، گلستان، تهران، زنجان، بوشهر، مرکزی، فارس قرار دارند. و گروه چهارم استان‌های همدان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، قم، کرمان، خوزستان، خراسان شمالی، لرستان، آذربایجان شرقی، قزوین، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی را شامل می‌شود و در نهایت استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفته‌اند. استان سمنان به علت تراکم پایین جمعیتی در

برخورداری از شاخص‌های تعداد داروخانه و مراکز پرتونگاری به‌ازای جمعیت، تعداد پزشک عمومی و پزشک متخصص به‌ازای جمعیت نزدیک به دو برابر متوسط ملی است و این امر باعث شده تا بالاتر از سایر استان‌ها قرار گیرد. این امر تاحدودی در مورد استان‌های یزد و مازندران نیز صادق است. استان تهران در شاخص‌های نظیر تعداد پزشک متخصص به‌ازای جمعیت و میزان مرگ و میر نسبت به میانگین ملی وضعیت نامناسبی دارد. به همین دلیل در رده دهم قرار گرفته است.

جدول ۱- رتبه‌بندی استان‌ها در بخش‌های مختلف بر حسب محاسبات تحلیل عاملی و روش

تاکسونومی عددی

شاخص‌ها	کالبدی و زیربنایی		اقتصادی		صنعتی		بهداشتی و درمانی		فرهنگی و اجتماعی		کل شاخص‌ها	
	رتبه	درجه توسعه	رتبه	درجه توسعه	رتبه	درجه توسعه	رتبه	درجه توسعه	رتبه	درجه توسعه	رتبه	درجه توسعه
تهران	۱	۰.۲۳۵	۱	۰.۲۵۶	۴	۰.۵۹۶	۱۰	۰.۶۷۶	۱	۰.۲۲۴	۱	۰.۴۲۳
سمنان	۹	۰.۷۲۱	۵	۰.۵۸۹	۱۷	۰.۷۸۷	۱	۰.۴۱۹	۲	۰.۲۲۹	۲	۰.۵۴۹
اصفهان	۵	۰.۶۸۱	۴	۰.۵۶۵	۲	۰.۵۰۶	۶	۰.۶۴۶	۷	۰.۵۷۳	۳	۰.۵۹۴
یزد	۱۸	۰.۷۸۰	۹	۰.۶۲۱	۷	۰.۶۶۵	۲	۰.۵۴۳	۳	۰.۳۶۷	۴	۰.۵۹۵
مازندران	۶	۰.۶۸۸	۲	۰.۵۱۱	۱۲	۰.۷۴۶	۳	۰.۵۵۹	۴	۰.۵۱۰	۵	۰.۶۰۱
قزوین	۳	۰.۶۷۸	۱۲	۰.۶۷۸	۳	۰.۵۸۹	۲۵	۰.۸۱۹	۵	۰.۵۶۵	۶	۰.۶۶۵
خراسان رضوی	۲	۰.۶۴۹	۱۱	۰.۶۶۱	۸	۰.۶۸۰	۷	۰.۶۴۹	۱۵	۰.۶۸۷	۷	۰.۶۶۵
گیلان	۷	۰.۷۰۰	۸	۰.۶۰۰	۹	۰.۷۰۵	۵	۰.۶۴۳	۱۶	۰.۶۸۸	۸	۰.۶۶۷
مرکزی	۱۹	۰.۷۸۰	۲۲	۰.۷۵۴	۱	۰.۵۰۵	۱۳	۰.۷۱۵	۹	۰.۵۹۴	۹	۰.۶۷۰
قم	۸	۰.۷۱۸	۷	۰.۵۹۴	۱۵	۰.۷۷۲	۱۹	۰.۷۹۲	۶	۰.۵۶۶	۱۰	۰.۶۸۸
آذربایجان شرقی	۴	۰.۶۸۰	۱۵	۰.۷۲۵	۶	۰.۶۵۳	۲۴	۰.۸۰۸	۸	۰.۵۸۶	۱۱	۰.۶۹۱
فارس	۱۱	۰.۷۲۸	۱۱	۰.۵۹۴	۶	۰.۷۶۶	۱۴	۰.۷۳۴	۱۷	۰.۶۹۰	۱۲	۰.۷۰۳
خوزستان	۱۶	۰.۷۷۳	۱۳	۰.۶۸۴	۱۳	۰.۶۲۳	۵	۰.۸۰۴	۲۱	۰.۶۹۶	۱۹	۰.۷۱۶
زنجان	۲۰	۰.۷۹۰	۲۷	۰.۷۹۰	۱۱	۰.۷۳۴	۱۱	۰.۷۰۲	۱۱	۰.۶۱۸	۱۰	۰.۷۲۷
بوشهر	۲۶	۰.۸۲۸	۲۶	۰.۵۲۴	۳	۰.۵۷۶	۱۲	۰.۷۰۸	۱۲	۰.۸۱۶	۲۹	۰.۷۳۶
چهارمحال و بختیاری	۱۵	۰.۷۵۶	۱۵	۰.۷۴۸	۱۹	۰.۸۶۵	۲۴	۰.۶۲۶	۴	۰.۷۱۲	۲۲	۰.۷۴۱
همدان	۱۰	۰.۷۲۶	۲۰	۰.۷۴۸	۲۳	۰.۸۶۲	۲۳	۰.۷۷۴	۱۵	۰.۶۴۸	۱۳	۰.۷۵۲
کرمان	۲۷	۰.۸۴۴	۱۴	۰.۷۱۴	۱۰	۰.۷۲۳	۱۰	۰.۷۹۷	۲۰	۰.۶۹۵	۱۸	۰.۷۵۶
کرمانشاه	۱۲	۰.۷۲۹	۱۶	۰.۷۲۸	۲۱	۰.۸۴۸	۲۱	۰.۷۸۰	۱۷	۰.۷۰۸	۲۰	۰.۷۵۹
خراسان جنوبی	۲۹	۰.۸۹۳	۲۹	۰.۷۴۲	۱۸	۰.۸۷۴	۲۵	۰.۶۵۸	۸	۰.۶۴۷	۱۲	۰.۷۱۳
لرستان	۱۴	۰.۷۴۶	۱۴	۰.۷۹۰	۲۶	۰.۷۹۰	۱۸	۰.۸۰۸	۲۱	۰.۷۰۹	۲۱	۰.۷۶۹
ایلام	۲۴	۰.۸۱۱	۲۴	۰.۷۵۳	۲۱	۰.۸۹۸	۲۷	۰.۷۸۴	۱۸	۰.۶۴۵	۱۱	۰.۷۷۸
گلستان	۲۱	۰.۷۹۴	۲۱	۰.۷۸۷	۲۵	۰.۸۸۸	۲۶	۰.۶۷۳	۹	۰.۶۷۷	۲۲	۰.۷۸۲
اردبیل	۱۳	۰.۷۴۲	۱۳	۰.۷۳۸	۱۷	۰.۸۴۳	۱۹	۰.۸۱۹	۲۶	۰.۸۱۰	۲۵	۰.۷۹۰
هرمزگان	۲۳	۰.۷۹۵	۲۳	۰.۶۵۶	۱۰	۰.۷۷۸	۱۶	۰.۹۶۰	۳۰	۰.۴۴۳	۲۷	۰.۸۰۶
کردستان	۱۷	۰.۷۷۷	۱۷	۰.۷۷۴	۲۳	۰.۹۰۷	۲۹	۰.۷۷۶	۱۶	۰.۸۱۸	۲۶	۰.۸۱۰
آذربایجان غربی	۲۲	۰.۷۹۵	۲۴	۰.۷۸۶	۲۴	۰.۸۴۸	۲۰	۰.۸۵۶	۲۸	۰.۷۶۹	۲۴	۰.۸۱۱
کهگیلویه و بویراحمد	۲۵	۰.۸۱۶	۲۵	۰.۸۰۴	۲۸	۰.۹۰۶	۲۸	۰.۸۴۹	۲۷	۰.۶۸۶	۱۴	۰.۸۱۲
خراسان شمالی	۲۸	۰.۸۵۴	۲۸	۰.۸۸۷	۳۰	۰.۸۵۶	۲۲	۰.۸۰۵	۲۲	۰.۸۵۵	۲۸	۰.۸۵۱
سیستان و بلوچستان	۳۰	۰.۹۲۲	۳۰	۰.۸۵۹	۲۹	۰.۹۱۹	۳۰	۰.۹۵۹	۲۹	۰.۹۰۸	۳۰	۰.۹۱۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان

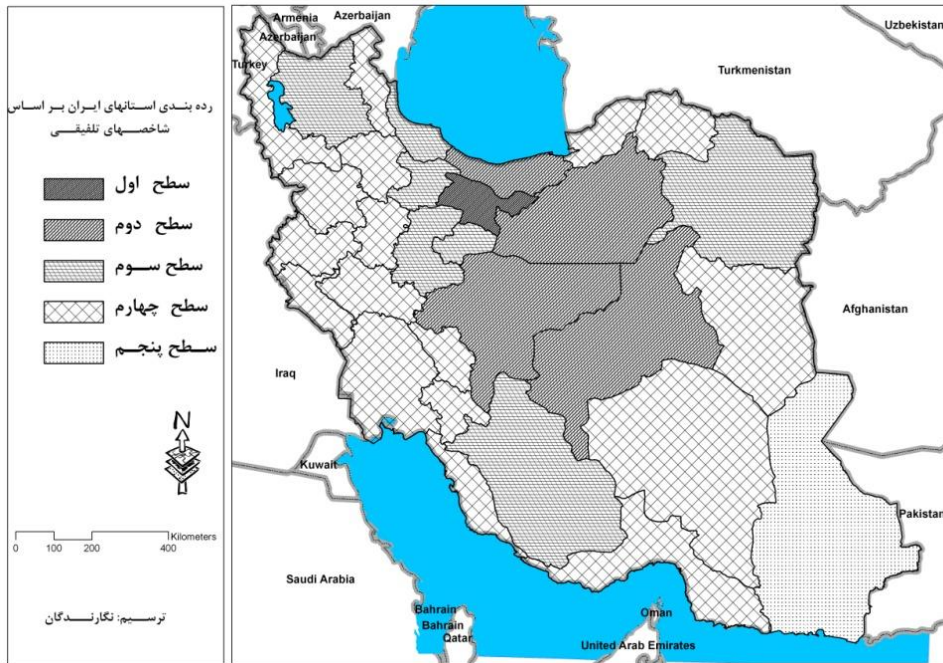
رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب شاخص‌های صنعتی نشان می‌دهد که استان مرکزی بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین درجه توسعه یافتگی را دارا می‌باشند. بر اساس نتایج روش خوشه‌بندی، چهار گروه همگن از استان‌ها وجود دارد که استان‌های مرکزی، اصفهان در سطح اول توسعه قرار گرفته‌اند و در سطحی پایین‌تر از آن استان‌های قزوین، تهران، خوزستان، آذربایجان شرقی، یزد و خراسان رضوی قرار گرفته‌اند استان‌های گیلان، کرمان، زنجان، مازندران، بوشهر، فارس، قم، هرمزگان، سمنان، لرستان گروه سوم و بقیه استان‌ها در گروه چهارم قرار دارند.

رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب کل شاخص‌ها نشان می‌دهد که استان تهران بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین درجه توسعه یافتگی را دارا می‌باشند. بر اساس نتایج روش خوشه‌بندی در مجموع بخش‌ها، پنج گروه همگن از استان‌ها وجود دارد که بر اساس میزان توسعه یافتگی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. استان تهران به تنهایی در گروه اول، استان‌های سمنان، اصفهان، یزد، مازندران در گروه دوم، استان‌های قزوین، خراسان رضوی، گیلان، مرکزی، قم، آذربایجان شرقی، فارس در گروه سوم، استان‌های خوزستان، زنجان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، همدان، کرمان، کرمانشاه، خراسان جنوبی، لرستان، ایلام، گلستان، اردبیل، هرمزگان، کردستان، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی در گروه چهارم و استان سیستان و بلوچستان در گروه پنجم قرار دارند.

جدول ۲- گروه‌بندی استان‌های ایران از نظر توسعه با روش تحلیل خوشه‌ای

استان‌ها (به ترتیب درجه توسعه)	میزان توسعه	درجه توسعه	سطح توسعه
تهران	توسعه یافته	۰/۳۳۲ و کمتر	سطح اول
سمنان، اصفهان، یزد، مازندران	نسبتاً توسعه یافته	۰/۳۳۳ تا ۰/۶۰۱	سطح دوم
قزوین، خراسان رضوی، گیلان، مرکزی، قم، آذربایجان- شرقی، فارس	توسعه میانی	۰/۷۰۳ تا ۰/۶۰۲	سطح سوم
خوزستان، زنجان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، همدان، کرمان، کرمانشاه، خراسان جنوبی، لرستان، ایلام، گلستان، اردبیل، هرمزگان، کردستان، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی	توسعه نیافته	۰/۷۰۴ تا ۰/۸۵۱	سطح چهارم
سیستان و بلوچستان	محروم	بیش تر از ۰/۸۵۲	سطح پنجم

مأخذ: محاسبات نگارندگان



نقشه ۱ - گروه بندی استان های ایران بر اساس درجه توسعه یافتگی با روش تحلیل خوشه‌ای

نتیجه گیری

جهان امروز، جهانی است که نابرابری در سراسر آن قابل مشاهده است. هر چند تلاش عمومی برنامه ریزی اجتماعی چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی در پی کاهش این نابرابری‌هاست، اما متأسفانه حرکت تاریخی توسعه، به رغم افزایش ثروت، همواره به سوی گسترش نابرابری‌ها بوده است. این نابرابری در تبلور خارجی خود، تمرکز را در اشکال گوناگون نشان می‌دهد. کشورهای توسعه یافته در برابر کشورهای در حال توسعه، شمال در برابر جنوب، شکل غالب تمرکز ثروت و قدرت در سطح جهانی را نشان می‌دهد. (Sassen, 2000: 209-210) اما در هر یک از چارچوب‌های ملی نیز، چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه می‌توان با نوعی جغرافیای نابرابری، با قطب‌های تمرکز و مناطق محروم روبه‌رو شد.

ارزیابی توسعه‌ی منطقه‌ای برحسب شاخص‌های توسعه در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. در کشور ایران نیز عدم تعادل‌های منطقه‌ای با گذشت بیش از ۶۰ سال از سابقه‌ی برنامه‌ریزی در کشور، نه تنها کاهش نیافته، بلکه ابعاد گسترده‌تری یافته و تشدید شده است. رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب شاخص‌های توسعه نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۳۰ استان، یک استان توسعه‌یافته، ۴ استان نسبتاً توسعه‌یافته، ۷ استان توسعه‌ی میانی، ۱۹ استان توسعه نیافته و یک استان محروم می‌باشد.

جایگاه نسبی هر استان در سلسه مراتب استانی و میزان تغییر آن‌ها در طول زمان نیز نابرابری‌های منطقه‌ای و تشدید آن‌ها را در ایران نشان می‌دهد (جدول ۳). با توجه به جدول به جز استان‌های آذربایجان غربی، خوزستان، بوشهر، کرمانشاه، خراسان و فارس، سایر استان‌ها در سطوح مربوط به خود در همان رتبه و گروه قرار داشته‌اند. در این فاصله ۸۵-۱۳۴۵، استان‌های یزد و مازندران از سطح توسعه‌ی میانی به سطح نسبتاً توسعه یافته تغییر سطح داده‌اند. ولی استان‌های آذربایجان غربی، بوشهر، همدان و کرمانشاه از گروه توسعه‌ی میانی به سطح استان‌های توسعه نیافته تنزل یافته‌اند. همچنین جایگاه استان‌های فارس و خوزستان و خراسان در سلسه مراتب استانی از سطح نسبتاً توسعه یافته به سطح توسعه‌ی میانی افت داشته است. هیچ کدام از استان‌های توسعه نیافته نتوانسته‌اند به ترقی و صعود در سطوح بالای سلسله مراتب دست یابند. قابل ذکر است که در این برهه زمانی ۷ استان جدید به استان‌های کشور اضافه شده است. ۳ استان مرکزی، قزوین و قم در سطح توسعه‌ی میانی و ۴ استان اردبیل، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، گلستان در گروه استان‌های توسعه نیافته جای گرفته‌اند.

جدول ۳- تحرک استان‌ها در سلسله مراتب استانی

رتبه	پژوهش نگارندگان		پژوهش فرهاد نوربخش		پژوهش هوشنگ امیراحمدی	
	میزان توسعه یافته	۱۳۸۵	میزان توسعه یافته	۱۳۷۹	میزان توسعه یافته	۱۳۴۵
۱	توسعه یافته	تهران	توسعه یافته	تهران	نسبتا توسعه یافته	مرکزی
۲	نسبتا توسعه یافته	سمنان	نسبتا توسعه یافته	قم	نسبتا توسعه یافته	اصفهان
۳	توسعه یافته	اصفهان	توسعه یافته	اصفهان	توسعه یافته	یزد
۴	توسعه یافته	یزد	توسعه یافته	یزد	توسعه یافته	خوزستان
۵	توسعه یافته	مازندران	توسعه یافته	سمنان	توسعه یافته	سمنان
۶	توسعه یافته	قزوین	توسعه یافته	مرکزی	توسعه یافته	اصفهان
۷	توسعه یافته	خراسان رضوی	توسعه یافته	فارس	توسعه یافته	خراسان
۸	توسعه یافته	گیلان	توسعه یافته	گیلان	توسعه یافته	کرمانشاه
۹	توسعه یافته	مرکزی	توسعه یافته	کرمانشاه	توسعه یافته	اصفهان
۱۰	متوسط	قم	متوسط	کرمان	متوسط	اصفهان
۱۱	متوسط	آذربایجان شرقی	متوسط	مازندران	متوسط	اصفهان
۱۲	متوسط	فارس	متوسط	خوزستان	متوسط	اصفهان
۱۳	متوسط	خوزستان	متوسط	آذربایجان شرقی	متوسط	اصفهان
۱۴	متوسط	زنجان	متوسط	خوزستان	متوسط	اصفهان
۱۵	متوسط	بوشهر	متوسط	بوشهر	متوسط	اصفهان
۱۶	متوسط	چهارمحال و بختیاری	متوسط	لرستان	متوسط	اصفهان
۱۷	متوسط	همدان	متوسط	ایلام	متوسط	اصفهان
۱۸	متوسط	کرمان	متوسط	خراسان	متوسط	اصفهان
۱۹	متوسط	کرمانشاه	متوسط	چهارمحال و بختیاری	متوسط	اصفهان
۲۰	توسعه نیافته	خراسان جنوبی	توسعه نیافته	همدان	توسعه نیافته	اصفهان
۲۱	توسعه نیافته	لرستان	توسعه نیافته	هرمزگان	توسعه نیافته	اصفهان
۲۲	توسعه نیافته	ایلام	توسعه نیافته	اردبیل	توسعه نیافته	اصفهان
۲۳	توسعه نیافته	گلستان	توسعه نیافته	زنجان	توسعه نیافته	اصفهان
۲۴	توسعه نیافته	اردبیل	توسعه نیافته	آذربایجان غربی	توسعه نیافته	اصفهان
۲۵	توسعه نیافته	هرمزگان	توسعه نیافته	کهگیلویه و بویراحمد	توسعه نیافته	اصفهان
۲۶	توسعه نیافته	کردستان	توسعه نیافته	کردستان	توسعه نیافته	اصفهان
۲۷	توسعه نیافته	آذربایجان غربی	توسعه نیافته	سیستان و بلوچستان	توسعه نیافته	اصفهان
۲۸	توسعه نیافته	کهگیلویه و بویراحمد	توسعه نیافته		توسعه نیافته	اصفهان
۲۹	توسعه نیافته	خراسان شمالی	توسعه نیافته		توسعه نیافته	اصفهان
۳۰	محروم	سیستان و بلوچستان	توسعه نیافته		توسعه نیافته	اصفهان

مأخذ: استخراج از منابع و ترسیم توسط نگارندگان

نتیجه آنکه:

- ۱- نابرابری منطقه‌ای نسبت به گذشته تشدید شده است به گونه‌ای که استان تهران به عنوان توسعه یافته‌ترین استان و استان سیستان و بلوچستان به عنوان توسعه نیافته‌ترین استان کشور طی این دوره اختلاف فاحشی از نظر توسعه با استان‌های دیگر پیدا کرده‌اند.
- ۲- تعداد استان‌های توسعه نیافته افزایش یافته است.
- ۳- الگوی حاکم بر سازمان فضایی کشور، حاکی از وجود الگوی مرکز- پیرامون در توسعه منطقه‌ای است به طوری که کلیه استان‌های توسعه نیافته و محروم در نواحی حاشیه‌ای، مرزی و مناطق کوهستانی واقع شده‌اند. این نابرابری‌ها بازتاب و برآیند عوامل محیطی، اقتصاد سیاسی، بویژه نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی فضایی، بی‌توجهی به مدیریت واحد سرزمینی و عدم هماهنگی سازمان‌های متولی در امر توسعه فضایی می‌باشد.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی پور، زهرا و همکاران، ۱۳۸۶، بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی-اداری کشور؛ مطالعه موردی استان های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول.
۲. امیر احمدی، هوشنگ، ۱۳۷۵، پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان ها در ایران. ترجمه علی طایفی. مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹
۳. امیراحمدیان، بهرام، ۱۳۷۹، درجه توسعه‌یافتگی استان ها و همسازی ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱
۴. بهشتی‌فر، محمود، ۱۳۸۵، بررسی درجه‌توسعه یافتگی استان های کشور و مقایسه تطبیقی آن ها طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه اقتصاد.
۵. توفیق، فیروز، ۱۳۸۴، آمایش سرزمین، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران. مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
۶. _____، ۱۳۷۲، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای، مجله‌آبادی، شماره ۱۰
۷. حاجی‌پور، خلیل و زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۴، بررسی، تحلیل و ارائه الگویی برای نظام شهری استان خوزستان، هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران، انتشارات سمت.
۹. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۸، طرح شناسایی و تحلیل سطوح توسعه و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، دانشگاه یزد، دانشکده جغرافیا.
۱۰. صرّافی، مظفر، ۱۳۷۹، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، ماهنامه مناطق آزاد، شماره ۱۰۹.
۱۱. صرّافی، مظفر، ۱۳۷۷، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۱۲. طلامینایی، علی اصغر، ۱۳۵۳، تحلیلی از ویژگیهای منطقه‌ای در ایران؛ بر اساس مطالعات منطقه نمونه اصفهان. چاپ اول، دانشگاه تهران.
۱۳. عظیمی، ناصر، ۱۳۸۴، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر و انباشت سرمایه، مشهد، نشر نیکا.
۱۴. عنبری، موسی، طالب، مهدی، ۱۳۸۵، دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷
۱۵. کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای. تهران، انتشارات خوشبین.

۱۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۱۷. هاروی، دیوید، ۱۳۷۶، عدالت اجتماعی و شهر. ترجمه فرخ حسامیان، انتشارات پردازش.
18. Alden, J. and R, Morgan, 1974, Regional Planning: A Comprehensive View. New York: John Wiley and Sons.
19. Gilbert, A. G, 1975, A note on the incidence of development in the vicinity of a growth centre, *Regional Studies*, 9, 325-335
20. Hall, P, 1974, urban and regional planning, Harmondsworth Penguin Books.
21. Hansen, N. M, 1981, Development from Above: the centre-down development paradigm, in W.B. Stohr and D.F.Taylor (eds.), *Development from Above or Below?* John Wiley and Sons, Chic ester.
22. <http://www.amar.org.ir>
23. Kalantari, khalil, 1998, Identification of backward region in Iran, *Tehran, geographic research magazine*, Number 48.
24. Lees, N, 2010, Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice, Oxford University, Paper to be Presented at the SGIR 7th Annual Conference on International Relations, Sweden, September 9-11th 2010
25. Moseley, M.J. 1974, Growth centers in spatial planning, Oxford, Pergamon.
26. Noorbakhsh, Farhad ,2000, Human development and regional disparities in Iran: A policy model, university of Glasgow, department of economics.
27. Perroux, F. 1955. Not sur la notion de croissance, Translated by: I. Livingstone, In Livingstone, I (ed), 1979, *Development, Economic and Policy: Selected*, London, George Allen & Unwin.
28. Rabinson, G. & salih , K.B. 1971, The spread of development around kuala Lumpur: a methodology for an exploratory test of some assumptions of the growth pole model, *Regional Studies*, 5, 303-314
29. Sassen, S. 2000, A new geography of centers and margins: summery and implications, in: *The City Reader*, second edition, Routledge.
30. Sharbatoghlie, Ahamd,1991, Urbanization and regional disparities in post-revolutionary Iran, west view press.
31. Stohr, W. 1975, *Regional Development: Experience and Prospects in Latin America*, The Hague, Mouton.
32. UNDP, 2010, *Human Development Report:40-year Trends Analysis Shows Poor Countries Making Faster Development Gains*.